

دیدار هزاران نفر از اقشار مختلف مردم بویژه مردم استان ایلام - 23 /اردیبهشت / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله و صلى الله على رسوله و على الأطهارين الأطبيبين. خوشامد عرض ميکنم به شما برادران و خواهران عزيز که این مسیر طولانی را طی کردید و لطف کردید و روز عید ما را به معنای واقعی کلمه با قدموم خودتان عید کردید. اميدواریم که خداوند متعال به برکت مولود این روز، الطاف معنوی و مادی خود را بر سر ملت ایران و بخصوص شما برادران و خواهرانی که از ایلام تشریف آوردید، نازل بفرماید و شماها را مشمول لطف و هدایت ویژه خود ان شاء الله قرار بدهد. همچنان که در گذشته هم در مورد ایلام و مردم ایلام - عشایر و شهرنشین و همه و همه - دانستیم و از نزدیک دیدیم، الطاف الهی شامل حال شما مردم بوده است؛ چه در دوران دفاع مقدس و چه بعد از آن تا امروز؛ مجاهدت‌ها، ایستادگی‌ها، مقاومتها، وفاداری عمومی و همگانی، چیزهای کوچکی نیست؛ برای مجموعه‌های مردمی، اینها افتخار است و بحمد الله شما این افتخارات را داشته‌اید و دارید و خواهید داشت. و بدانید - بخصوص شما جوانهای عزیز - که این کشور متعلق به شما است، آینده‌ی آن مال شما است؛ شما هستید که باید شانه‌های توانای خودتان را بدھید زیر بار این مسئولیت بزرگ، همچنان که جوانهای دیروز این کار را کردند و از شرف ملی، از استقلال کشور، از دین و ایمان و هویت ملی خودشان، دفاع کردند که یکی از مظاہر مهم آن همین مردم ایلام هستند. من از نزدیک فدایکاری‌های مردم را دیدم؛ در همان سال ۵۹ و ۶۰، در آن دورانهای دشوار، همه‌ی مردم - زن و مرد - در صحنه بودند، همکاری میکردند، و برجستگان و نخبگان مردم استان شما و منطقه‌ی شما هم پیشاپیش مردم حرکت میکردند؛ امروز هم قضیه همان است. و خب اميدواریم که خدای متعال کمک کند و توفیق بدهد به مسئولان که آنها هم به سهم خودشان، وظائفی را که دارند، بتوانند بنحو کامل انجام بدهند که البته در این صدد هستند، دنبال بازکردن گره‌های مشکلات‌تند؛ باید همکاری کرد، همه کمک کنند که این کار انجام بگیرد.

درباره امیرالمؤمنین (عليه الصلاة والسلام) سخن زیاد گفته شده است، لکن همه‌ی حقیقت هنوز گفته نشده است. آنچه از فضائل امیرالمؤمنین (سلام خدا بر او) تاکنون بر زبانها و قلمها جاری شده است، همه‌ی فضائل امیرالمؤمنین نیست، بخشی از آن است. از قول نبی اکرم نقل شده است که فرمود: برادرم علی، فضائلی دارد که «لا تُحصِّن» (۲) - قابل شمارش نیست - یعنی انسانها قادر نیستند این فضائل را بشمرند؛ یعنی فوق درک و عقل و فهم بشر معمولی است؛ این امیرالمؤمنین است. خب، ما احتیاج به الگو داریم، احتیاج به اسوه داریم، [پس] با این نظر به امیرالمؤمنین (عليه السلام) نگاه کنیم. به نظر این حقیر، در چند سرفصل باید زندگی امیرالمؤمنین (عليه الصلاة والسلام) را مورد ملاحظه قرار داد؛ چه اهل قلم و تحقیق و چه ماهما که میخواهیم درباره‌ی مسائل امیرالمؤمنین مطالعه کنیم و فکر کنیم. چهار سرفصل به نظر بندۀ در اول فهرست قرار میگیرد که من اجمالاً یک اشاره‌ای میکنم.

یک سرفصل عبارت است از مقامات معنوی امیرالمؤمنین - مقام معرفت توحیدی امیرالمؤمنین، مقام عبادت او، مقام تقرّب او به خدا، مقام اخلاص او - که اینها چیزهایی است که عمق آن و گنه (۳) آن واقعاً از دسترس ماهها خارج است. بزرگان از علماء، از شیعه و سنتی، حتی غیر مسلمان، در مقابل این بخش از شخصیت امیرالمؤمنین همه اظهار عجز کرده‌اند؛ بس بلند و والا و مشعشع، این بخش در چشم هر بیننده‌ای جلوه میکند؛ نمیتوانند، قادر نیستند ابعاد آن را درک بکنند؛ این یک بخش. ابن‌ابی‌الحدید - عالم سنتی معتزلی - وقتی یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین را که مربوط به توحید است نقل میکند در نهج البلاغه، میگوید که جا دارد ابراهیم خلیل‌الرحمن افتخار کند به وجود یک چنین فرزندی؛ از نسل ابراهیم این همه انبیا به وجود آمدند؛ [اما] این را در مورد امیرالمؤمنین فقط میگوید؛ میگوید جا دارد که ابراهیم خلیل‌الرحمن به این فرزند خود بگوید: تو سخنانی در توحید بیان کردی در جاهلیّت عرب، که من در جاهلیّت تبطّع، نتوانستم این سخنان را بیان کنم و نتوانستم این حقایق را ابداع کنم. (۴) گوینده، عالم سنتی معتزلی است. این یک بخش و یک سرفصل از زندگی امیرالمؤمنین است که ابعادی ناشناخته

دارد؛ واقعاً اقیانوس عمیقی است.

یک بخش دیگر، بخش مجاهدتهاي اميرالمؤمنين است که اين مجاهدتها و فداكارها، اوچ قله‌ی فداکاری است. آنچه اميرالمؤمنين از فداکاري برای اسلام، برای دين، برای حفظ جان پيغمبر، برای حفظ دين پيغمبر، برای شرف و عظمت امت اسلامي انجام داد، واقعاً جهادهاي فوق طاقت بشری است. از دوران کودکی، از اولی که پيغمبر را به عنوان مریّ خود شناخت و در دامان پيغمبر رشد پيدا کرد و اسلام را در کودکی پذيرفت، در همه‌ی آن دوران سخت

سيزده ساله‌ی مكه، بعد در ماجراي بسيار دشوار هجرت به مدینه، بعد در دوران ده ساله‌ی حیات مبارک پيغمبر در مدینه و آن جنگها و آن فداکاری‌ها و آن گرفتاري‌ها، در همه‌ی اين دورانها، اين انسان يك انسان ايستاده‌ی بر اوچ قله‌ی فداکاری است. بعد از رحلت پيغمبر هم همین جور: صبر اميرالمؤمنين، فداکاری بود؛ اقدامهای او، فداکاری بود؛ همکاری‌هاي او، فداکاری بود؛ قبول خلافت، فداکاری بود؛ کارهایي که در دوران کوتاه خلافت انجام داد، يك پس از ديگري فداکاري بود. كتاب فداکاری‌هاي اميرالمؤمنين (عليه الصلاة والسلام) به تنهائي يك كتاب طولاني و پر حجمی برای هر بیننده‌ای است، انسان را واقعاً متغير می‌کند. اين قدر انسان بتواند با عزم راسخ در راه خدا، جان خود، حیثیت خود، توانایی‌های خود، شئون خود، همه را تقديم کند! تصوّر آن از عهده‌ی بند و امثال بند خارج است. اين هم يك سرفصل از زندگی اميرالمؤمنين که خود، كتابهای مفصلی ميشود.

سرفصل سوم، سلوک اميرالمؤمنين در دوران حکومت است؛ چه سلوک شخصی، چه سلوک اجتماعی و حکومتی. سلوک شخصی، زندگی زاهدانه‌ی على در دوران حکومت و قدرت [است]. يك کشور پهناور عظیمی در يد قدرت اميرالمؤمنين بود؛ از اقصای شرق، تا مصر، تا آفریقا - این منطقه‌ی عظیم - همه دولت اسلامی و تحت حکومت اميرالمؤمنين بود؛ این حاكم بزرگ و مقتدر، با اين کشور پهناور و ثروتمند، زندگی شخصی‌اش، سلوک شخصی‌اش، مثل يك انسان مستمند و بینوا بود؛ با يك لباس زندگی بکند، نان جو و خشک غذاي او باشد، از همه‌ی لذات مادی پرهیز کند؛ طوری که خود او خطاب به همراهان و همکاران و دولتمردان زمان خود می‌فرمود: إنّمَّا لا تقدِّرونَ عَلَى ذَلِكِ؛ (۵) شماها نمی‌توانید؛ راست هم می‌گفت، هیچ‌کس نمی‌تواند؛ واقعاً این عجیب است که زندگی شخصی اميرالمؤمنين در دوران حکومتش این‌جوری باشد - در يك خانه‌ی محقر زندگی بکند؛ زندگی معيشتی او در حداقل، مثل يك انسان مستمند و بینوا و فقیر [باشد] - و به اين‌همه کار بزرگ بپردازد. و سلوک اجتماعی‌اش، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدل، ايستادگی برای إنفاذ (۶) حکم‌الله؛ واقعاً هر عقلی حیران می‌شود در مقابل اين‌همه عظمت و اين‌همه قدرت. اين چه انسانی است؟ اين غیر از مقامات معنوی است؛ سلوک سیاسی [است]. سیاستمداران دنيا و حکام عالم چه‌جوری زندگی کردند؟ اميرالمؤمنين چه‌جوری زندگی کرد؟ اين هم يك سرفصل مهمی است که ديگر تا امروز نظیری نداشته است و نخواهد داشت؛ زهد اميرالمؤمنين و سلوک شخصی او و عبادت او در دوران اقتدارش. به امام سجاد (عليه الصلاة والسلام) عرض کردند که يا بن رسول الله! شما چرا اين‌قدر به خودتان سختی میدهيد، فشار می‌آورید، اين‌جور عبادت می‌کنيد، اين‌جور زهد می‌گيريد، اين‌جور روزه می‌گيريد، اين‌جور گرسنگی می‌کشيد؟ امام سجاد گریه کرد، فرمود: آنچه من می‌کنم، در مقابل آنچه جدم اميرالمؤمنين می‌کرد چیست؛ کار من کجا، کار او کجا! یعنی امام سجاد، سلوک عبادی و زاهدانه‌ی خود را در مقابل سلوک زاهدانه و عبادی اميرالمؤمنين کوچک می‌شمارد؛ اين خیلی مهم است. اين هم سرفصل سوم.

سرفصل چهارم، آن هدفی است که اميرالمؤمنين نسبت به مردم، در دوران حکومت داشته است که نکته‌ی بسيار مهم و اساسی است. بند و میخواهم اندکی روی اين نکته تکيه کنم. اميرالمؤمنين فرمود: اگر از من اطاعت کنید، من شما را به بهشت ميرسانم. عبارت اميرالمؤمنين در خطبه‌ی نهج البلاغه اين است؛ ميفرماید: فَإِنْ أطَعْتُمُونِي فَأَنِّي حَامِلُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنةِ؛ فرمود اگر آنچه من می‌گويم، گوش کنيد و عمل کنيد، من شما را به بهشت خواهيم رساند، ان شاء الله؛ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةً شَدِيدَةً وَ مَذَاكِرَةً مَرِيبةً؛ (۷) اگرچه اين کار، بسيار دشوار است، بسيار سخت است، تلخ است. اين حرکت، حرکت کوچکي نیست، حرکت آسانی نیست؛ اين هدف اميرالمؤمنين [است]. رساندن انسانها به بهشت، هم در زمينه‌ی فکري مردم، [هم] در زمينه‌ی روحی و قلبي مردم، [هم] در حیات اجتماعی مردم، نقش می‌آفريند. من از اين جهت روی اين تکيه می‌کنم که گاهی شنيده ميشود کسانی در گوش و کنار وقتی

صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها میشود، میگویند آقا، مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب بله؛ بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حاکم دیگر در همین است: حاکم اسلامی میخواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقبائی برسند؛ [لذا] راهها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسانها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه‌ی ما است، این کاری است که امیرالمؤمنین بار آن را بر دوش خود گرفته است و احساس وظیفه میکند که مردم را به بهشت برساند.

جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی به اسلام عمل بکند، بدون تردید در قله قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عترت و شرف دنیائی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار میگیرد؛ اما این همه‌ی کارها نیست، همه‌ی هدفها نیست. اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه‌ی مرگ ما لحظه‌ی بدختی و روسياهی ما باشد، چه فایده دارد؟ امام سجاد (علیه السلام) در دعای صحیفه‌ی سجادیه میفرماید: امتنا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ؛ (۸) میگوید پروردگار! من را درحالی از دنیا ببر و بمیران که هدایت‌یافته باشم، گمراه نباشم؛ من را درحالی از دنیا و از این نشئه ببر که من با طوع و رغبت به آن طرف بروم. چه کسی با طوع و رغبت از این گذرگاه عبور میکند؟ آن کسی که به آن طرف خاطرجمع است. دیدید جوانهای ما - جوانهای آن روز شما - در میدانهای جنگ، چگونه بی محابا وارد عرصه‌های خطر میشند؛ [در] همین عملیات‌هایی که ذکر کردند (۹) - چه در منطقه‌ی ایلام، چه در منطقه‌ی خوزستان، چه در منطقه‌ی استانهای غربی - این جوانها کجاها رفتند؛ چه کارها کردند؛ مرگ را تحقیر کردند؛ خطر را کوچک شمردند؛ [چون] دل اینها با حقایق آشنا شده بود. انسان وقتی آن طرف را ببیند، آن نعمت را ببیند، از آن طرف خاطرجمع باشد، راحت زندگی میکند، راحت فدایی میکند، راحت بر مشکلات صبر میکند، راحت قدم در وادی‌های خطر میگذارد و پیش میرود؛ مسئله اینجا است.

ما اگر بخواهیم در مقاصد دنیوی هم پیروز بشویم، بایستی ایمان خودمان را، عمل خودمان را، برای آن سوی مردم تقویت کنیم. امیرالمؤمنین میفرماید من میخواهم مردم را به بهشت برسانم؛ این وظیفه‌ی ما است. نهی از منکر باید بکنیم، امر به معروف باید بکنیم، وسائل عمل خیر و حسنات را در کشور فراهم کنیم، وسائل شرور و آفات را از دسترسها برداریم؛ این وظائف مسئولین حکومت است.

از جمله‌ی چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک میکند، بهبود معیشت مردم است؛ کاد الفقر ان یکون کفرا. (۱۰) جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیر قابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمیکند. فقر، انسانها را به فساد میکشاند، به کفر میکشاند؛ فقر را باید ریشه کن کرد. کار اقتصادی، فعالیت اقتصادی باید بهطور جدی در برنامه‌های مسئولین قرار بگیرد، که خب امروز بحمدالله مسئولین دنبال این چیزها هستند. فکرها را باید منظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد.

ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»؛ اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوانها، به فعالیت ذهنها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و مثبت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیتهای بی‌پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه‌ریزی درست و صحیح این ظرفیتها را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند. من یکی دو روز پیش گفتم در یک دیداری؛ (۱۱) هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانانمان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمانهای گوناگون، در ستلهای بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاوه‌مند و مؤمن و بالاخص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت؛ خب، به این برسیم. مسائل اقتصادی هم همین‌جور است؛ ظرفیتهای اقتصادی باید فعال بشود

؛ این راه پیشرفت کشور است. آن وقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین‌المللی، هم از لحاظ عزّت ملی و اعتماد به نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد. این راهی است که امیرالمؤمنین در مقابل ما قرار داده است. آن وقت با نگاه به این حقایق است که می‌فهمیم اینکه امام فرمودند: «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند» (۱۲) یعنی چه. آمریکا را از باب مثال گفته‌اند: بله، آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند - کما اینکه تا امروز هم نتوانسته است - قدرتهای دیگر هم همین جور؛ آنها هم هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. این غلطی که نمیتوانند بکنند، فقط غلط نظامی نیست، به معنای جامع کلمه، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند؛ نمیتوانند ملت ایران را زمین‌گیر کنند؛ نمیتوانند ملت ایران را عقب نگه دارند؛ نمیتوانند فشار را بر ملت ایران بنحوی وارد بکنند که به خیال خودشان ملت ایران را به زانو دربیاورند؛ ملت ایران به زانو درنخواهد آمد. خدا را شکر می‌کنیم که ملت ما زنده است؛ خدا را شکر می‌کنیم که جوانان ما در راه درست حرکت می‌کنند. یک عدد ای وقتی نگاهشان به جوانها می‌افتد، نمونه‌ها و گونه‌های محدود ناهنجار را می‌بینند؛ بله، ناهنجاری هم هست - نه اینکه نیست - ما هم اطلاع داریم؛ اما این هنجار عمومی ملت ایران و جوانان ما، هنجار دینی است؛ هنجار علاقه‌مندی به دین و میهن و اسلام و قرآن و معنویت و ملیّت و مانند اینها است؛ این را نباید از یاد برد و فراموش کرد. جوانهای ما بحمد الله جوانهای خوبی هستند. از جمله‌ی وظائف ما این است که کمک کنیم این جوانها خوب بمانند و خوب پیش بروند و ان شاء الله برای کشورشان بخوبی و کمال، مفید واقع بشوند.

امیدواریم که خداوند متعال روح مطهر امام بزرگوار را از ما راضی کند. امیدواریم که خداوند متعال قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا له الفدا) را - که روح عالم امکان، امروز او است - از ما راضی کند، خشنود کند، ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بدهد و ان شاء الله شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور کند.

والسلام عليکم و رحمة الله و بركاته

- ۱) اقتضار مختلف مردم ایلام به منظور تجدید ميثاق با آرمانهای نظام و رهبری، تحت عنوان «کاروان میثاق با ولایت» به حسینیه‌ی امام خمینی (ره) آمده بودند.
- ۲) بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹
- ۳) حقیقت
- ۴) شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۳
- ۵) نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵
- ۶) اجرا کردن
- ۷) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۶
- ۸) صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۰
- ۹) حجّة الاسلام والمسلمین سید محمد تقی لطفی (امام جمعه‌ی ایلام و نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان) در گزارش خود به نقش و حضور مردم ایلام در عملیات‌های مختلف، از جمله فتح میمک، عاشورا، نصر ۲، فتح المبین، محرّم، والفجر، ۱ والفجر، ۳ والفجر، والفجر، عاشورا ۲ و کربلای ۱ اشاره کرد.
- ۱۰) بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۷
- ۱۱) بازدید از دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۹۳/۲/۲۱)
- ۱۲) صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، ص ۵۱۶